

## سرعت بخشی به فرآیند کیفری؛ ساز و کاری برای پیشگیری از بزهکاری

امیر حسین نیازپور nia\_a\_h@yahoo.com

دانشجوی دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت مقاله، ۸۶/۳/۱ تاریخ پذیرش نهایی، ۸۶/۱۰/۵

### چکیده

پیشگیری واکنشی یا کیفری از بزهکاری، در برگزیده مجموعه تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری است که پس از وقوع جرم به منظور بازداشتن بزهکاران احتمالی و واقعی از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره اعمال می‌شود. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی معمولاً از سازوکارهای متعددی برای سرعت بخشی به فرآیند کیفری استفاده می‌کنند تا از اطلاع دادرسی کیفری، نادیده انگاشتن حقوق کنشگران دعوی کیفری و کاهش کارکرد پیشگیرانه نظام عدالت کیفری جلوگیری شود. در این نوشتار، سرعت بخشی به فرآیند کیفری در سیاست جنایی بین‌المللی و ملی بررسی می‌گردد.

**واژه های کلیدی:** پیشگیری واکنشی از بزهکاری، سرعت بخشی به فرآیند کیفری، سیاست

جنایی، سیاست جنایی قضایی، فرآیند کیفری.

## مقدمه

جوامع بشری به گواهی یافته‌های تاریخ حقوق کیفری، دست‌کم از چهارهزار سال پیش با بزهکاری روبه‌رو هستند. این جوامع معمولاً از سازوکارهای متعددی، از جمله سازوکار واکنشی و ابزارهای نظام عدالت کیفری برای پاسخ‌دهی به این پدیده استفاده می‌نمایند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۵۸۴)، این سازوکار که پیشینه‌ای بسیار طولانی و از نظر ذاتی جنبهٔ پسینی دارد، پس از وقوع بزهکاری با بهره‌جستن از تدابیر و اقدام‌های نظام عدالت کیفری برای کاهش میزان جرم مداخله می‌کند. بدین‌سان، سازوکار کیفری- که پیشگیری واکنشی، کیفری و پسینی نیز نامیده می‌شود- با ارباب انگیزی و عبرت‌آموزی فردی و گروهی (همگانی) درصدد پیشگیری از بزهکاری نخستین و دوبارهٔ شهروندان است (نیازپور، ۱۳۸۲، ۱۳۲)، این پیشگیری براساس اثری که بر همهٔ شهروندان یا شماری از آنان (یعنی بزهکاران) می‌گذارد، به دو گونهٔ پیشگیری واکنشی عام و خاص تقسیم می‌شود و بر فرضی مبتنی است که بزهکاران با حسابگری و منطق و با اندیشه‌های آزاد مرتکب جرم می‌شوند (غلامی، ۱۳۸۲، ۸۵)، به دیگر سخن، بر پایهٔ این دیدگاه، مجرم‌ان با رویکردی حسابگرانه و منطقی و پس از ارزیابی منفعت‌ها و زیان‌های بزهکاری به سراغ ارتکاب آن می‌روند (مهرا، ۱۳۸۶، ۶۸)، بنابراین، تهدید احتمالی و واقعی ناشی از کیفر سبب می‌شود تا مجرم‌ان احتمالی به دلیل مشاهدهٔ مجازات مرتکبان جرم و بزهکاران واقعی و به دلیل تجربهٔ کیفر شدن و تحمل رنج و عذاب ناشی از آن، از ارتکاب بزهکاری منصرف شوند. بدین ترتیب، با استفاده از سازوکارها و ابزارهای نظام عدالت کیفری، مانند تهدید احتمالی و واقعی به کیفر، حتمیت، قطعیت و سرعت در فرآیند کیفری، می‌توان شهروندان را از ارتکاب بزهکاری نخستین یا دوباره باز داشت. سرعت بخشی به فرآیند کیفری، از جمله سرعت در تعقیب بزهکاران، دادرسی کیفری و اجرای مجازات از مهمترین سازوکارهای نظام عدالت کیفری برای پیشگیری از بزهکاری به شمار می‌رود (خزانی، ۱۳۷۷، ۱۴۶)؛ به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان علوم جنایی، به‌ویژه، «سزار بکاریا» با کنار گذاشتن دیدگاه‌های شدت‌نگر نسبت به کیفر، آن را مناسبترین راهکار برای کاهش میزان بزهکاری شناسایی کرده‌اند. به باور بکاریا، سرعت در فرآیند کیفری، به ویژه سرعت در اجرای کیفر باعث می‌شود که بزهکاران احتمالی و واقعی، نظام عدالت کیفری را نسبت به بزهکاری سختگیر تلقی کنند و در نتیجه بارگران کیفر و پیامدهای بزهکاری- تا اندازه‌ای که امکان دارد - برای دیگران محسوس باشد، زیرا هر چه زمان میان ارتکاب جرم و پاسخ‌دهی دستگاه عدالت

کیفری کوتاهتر باشد، ربط دادن برخورد نظام عدالت کیفری با بزه واقع شده در ذهن شهروندان سریعتر انجام می‌پذیرد و سبب می‌شود که آنان فوراً یکی را علت و دیگری را معلول به شمار آورند (بکاریا، ۱۳۷۴، ۹۶)، بدین سان، از نظر او محاکمه سریع بزهکاران و سرعت بخشی به اجرای کیفر بر آنان، نقش بسزایی در کاهش میزان بزهکاری ایفا می‌کند. بدین ترتیب، تسریع در فرآیند کیفری بزهکاران احتمالی و واقعی را با نظام عدالت کیفری سریع و قاطع نسبت به بزه کاری آشنا می‌کند؛ به گونه‌ای که این نظام با کشف بزهکاری در کوتاهترین زمان با مرتکبان رفتار مجرمانه برخورد می‌کند.

سیاست گذاران جنایی بین‌المللی و ملی سرعت بخشی به فرآیند کیفری را در پرتو شماری از اسناد و مقررات به رسمیت شناخته‌اند، اما این سازوکار بیشتر از منظر حقوق بشر یا سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار مورد توجه آنان بوده است (Lawyer committee, 1999, 16) به دیگر سخن، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی و ملی تسریع در فرآیند کیفری را به منزله یکی از جلوه‌های حمایت از «حقوق کنشگران دعوای کیفری» و از مصداق‌های حقوق بشر پیش‌بینی کرده‌اند، در حالی که تدبیر آنان از زوایه پیشگیری از بزهکاری نیز قابل توجه است. بنابراین، سرعت بخشی به فرآیند کیفری اگرچه از زوایه حقوق بشر و سیاست جنایی بزه‌دیده‌مدار، موجبات عادلانه شدن دادرسی را فراهم می‌کند، ولی از منظر آموزه‌های پیشگیری و اکنشی، ساز و کار مناسبی برای کاهش میزان بزهکاری به شمار می‌رود. بدین سان، سرعت بخشی به فرآیند کیفری همراه با رعایت حقوق کنشگران دعوای کیفری، سرعت متناسب و توجه به موازین حقوق بشر، می‌تواند از سویی نظام دادرسی عادلانه و از سوی دیگر، نظام عدالت کیفری پیشگیرانه را پدید آورد. در این نوشتار تلاش شده است سرعت بخشی به فرآیند کیفری در سیاست جنایی بین‌المللی (گفتار نخست) و در سیاست جنایی ملی (گفتار دوم) بررسی گردد.

### گفتار نخست - سرعت بخشی به فرآیند کیفری سیاست جنایی بین‌المللی

سیاست گذاران جنایی بین‌المللی در برخی از اسناد جهانی و منطقه‌ای حقوق بشری و مقررات ناظر بر عدالت بین‌المللی کیفری، سرعت در فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند.

### الف) سرعت بخشی به فرآیند کیفری در اسناد حقوق بشری

در گستره جهانی، شماری از اسناد حقوق بشری با رویکرد الزام‌آور و ارشادگر به تسریع در فرآیند کیفری اشاره کرده‌اند. بدین‌سان، تدوین‌کنندگان پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶ مطابق قسمت ج بند ۳ ماده ۱۴ برای نخستین بار سرعت بخشی به رسیدگی کیفری را به رسمیت شناخته‌اند. بر پایه این ماده، نهادهای قضایی - کیفری باید بدون تأخیر قابل پذیرش به محاکمه متهمان مبادرت ورزند. به دنبال این سیاست، نویسندگان پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹، به موجب قسمت ۳ بند ۲ ماده ۴۰ و قواعد حداقل سازمان ملل متحد برای عدالت کیفری نوجوانان ۱۹۸۵، براساس ماده ۲۰ فرآیند کیفری سریع را محترم شمرده‌اند تا از این رهگذر سیاست‌گذاران جنایی ملی به پیش‌بینی سازوکارهای مناسب برای رسیدگی کیفری همراه با سرعت متناسب، به ویژه در خصوص فرآیند کیفری ناظر به کودکان و نوجوانان بزهکار مبادرت ورزند، زیرا رسیدگی سریع به اتهام‌های کودکان و نوجوانان متهم در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری، افزون بر اینکه از نظرگاه آموزه‌های حقوق بشری، مانند کاهش مدت سلب آزادی کودکان بزهکار و آموزه‌های جرم‌شناسی برچسب‌زنی، از جمله کاهش پیامدهای زیانبار ارتباط این دسته از مجرمان با دستگاه عدالت کیفری دارای کارکردهای مناسب است، سبب می‌شود تا آنان ارتباط بین محاکمه با ارتکاب بزهکاری را نیز به درستی دریابند (امیر ارجمند، ۱۳۸۱، ۳۰۱)، در گستره منطقه‌ای نیز برخی اسناد الزام‌آور، دولت‌ها را موظف کرده‌اند تا سرعت بخشی به فرآیند کیفری را در سیاست‌ها، مقررات و رویه‌های ملی مورد توجه قرار دهند. بدین‌سان، نویسندگان پیمان‌نامه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین ۱۹۵۰، بر اساس قسمت ۳ بند و ماده ۵، پیمان‌نامه آمریکایی حقوق بشر ۱۹۷۸، مطابق بند ۱ ماده ۸ و اعلامیه آفریقایی حقوق بشر و خلق (توده‌ها) ۱۹۸۱ بر پایه قسمت د بند ۱ ماده ۷ به رسیدگی کیفری سریع اشاره کرده‌اند. بدین ترتیب، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی بین‌المللی از رهگذر شماری از اسناد جهانی و منطقه‌ای ایجاد «عدالت کیفری ملی سرعت‌مادر» را به دولت‌ها الزام یا سفارش کرده‌اند تا بدین‌سان، تسریع در فرآیند کیفری افزون بر کارکرد حقوق بشری و بزه‌دیده‌شناختی از کارکرد پیشگیرانه نیز برخوردار باشد. به دیگر سخن، سرعت بخشی به روند رسیدگی کیفری می‌تواند در کنار ایجاد نظام کیفری حقوق بشری اسباب پیدایش نظام کیفری پیشگیرانه را نیز پدید آورد. بنابراین، توجه به تسریع در فرآیند کیفری در اسناد بین‌المللی حقوق بشری از گفتمان پیشگیرانه نیز برخوردار است.

## ب) سرعت بخشی به فرآیند کیفری در عدالت بین المللی کیفری

تدوین کنندگان مقررات ناظر بر دیوان های موقتی و دایمی بین المللی کیفری، سرعت بخشی به فرآیند کیفری این نهاد را مورد توجه قرار داده اند.

### ۱. سرعت بخشی به فرآیند کیفری در مقررات ناظر بر دیوان های موقتی بین المللی کیفری

تصمیم گیرندگان سیاست جنایی بین المللی برای پاسخ دهی به مجرمان بین المللی در زمان های مختلف، دیوان های موقتی بین المللی کیفری را تأسیس کرده اند. دیوان های نورنبرگ، توکیو، یوگسلاوی و رواندا از جمله آنها به شمار می آیند. سرعت در رسیدگی به اتهام های این دسته از بزه کاران - که از منظر آموزه های پیشگیری واکنشی می تواند نقش مؤثری در کاهش میزان جرم های بین المللی ایفا کند - مورد توجه نویسندگان مقررات ناظر بر این نهادها واقع شده بود تا از رهگذر رسیدگی سریع به اتهامات، از سویی مجرمان احتمالی بزه کاری بین المللی به سراغ ارتکاب این دسته از جرم ها نروند و از سوی دیگر بزه کاران واقعی جرایم یاد شده از تکرار بزه کاری بین المللی منصرف شوند. از این رو، نویسندگان اساسنامه دیوان نورنبرگ به موجب ماده ۱۸، دیوان توکیو مطابق ماده ۱۲، دیوان یوگسلاوی براساس بند ۱ ماده ۲۰ و دیوان رواندا بر پایه ماده ۱۹ سرعت بخشی به فرآیند کیفری را به رسمیت شناخته اند (تقی پور، ۱۳۸۵، ۲۰۶).

### ۲. سرعت بخشی به فرآیند کیفری در مقررات ناظر بر دیوان دایمی بین المللی کیفری

شماری از کشورها در سال ۱۹۹۸، در صدد تأسیس دیوان دایمی بین المللی کیفری برآمدند تا از آن پس نهاد فراملی مستقل و همیشگی به جرم های بین المللی پاسخ دهد. تدوین کنندگان اساسنامه این دیوان در پرتو بند ۲ ماده ۶۴ و بند ۱ ماده ۶۷ محاکمه کیفری سریع و رسیدگی کیفری بدون تأخیر قابل پذیرش را از جمله وظایف دیوان یاد شده بر شمرده اند (میرمحمد صادقی، ۱۳۸۳، ۲۱۱)، مطابق این مواد مقامات قضایی دیوان دایمی بین المللی کیفری مکلف شده اند تمهیدات لازم را به گونه ای سریع برای محاکمه مرتکبان جرم های بین المللی فراهم آورند. بدین ترتیب، ملاحظه می شود که در گستره سیاست جنایی بین المللی، سرعت در فرآیند کیفری مورد توجه نویسندگان اسناد بین المللی حقوق بشری و مقررات ناظر بر عدالت

بین‌المللی کیفری واقع شده است تا از رهگذر آن فرآیند کیفری بین‌المللی به موازات توجه به ملاحظات حقوق متهمان و بزه‌دیدگان از کارکرد پیشگیرانه نیز برخوردار باشد؛ به گونه‌ای که متولیان عدالت بین‌المللی کیفری در کنار رعایت موازین دادرسی و رفتار عادلانه با بزه‌کاران و بزه‌دیدگان همواره از سازوکارهای نظام عدالت کیفری برای بازداشتن این دسته از مجرمان، از ارتکاب بزه‌کاری بین‌المللی بهره‌گیرند. بنابراین، با توجه به اینکه بزه‌کاران بین‌المللی معمولاً با حساسگری جزایی به ارتکاب بزه مبادرت می‌ورزند، رسیدگی کیفری سریع می‌تواند بر زیان‌آور نشان دادن رفتارهای مجرمانه و بازداشتن آنان از بزه‌کاری تأثیرگذار باشد.

### **گفتار دوم- سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری در سیاست جنایی ملی**

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در گستره سیاست‌های جنایی تقنینی و قضایی تسریع در فرآیند کیفری ایران را به رسمیت شناخته‌اند.

#### **الف) سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری در پرتو سیاست جنایی تقنینی**

در گستره مقررات فراتقنینی برای نخستین بار نویسندگان متمم قانون اساسی مشروطه ۱۲۸۶، از طریق اصل ۱۰، به تسریع در فرآیند کیفری اشاره کرده بودند. بر اساس این اصل دستگاه عدالت کیفری مکلف شده بود به‌طور سریع به مرتکبان جرم‌های جنحه‌ای و جنایی پاسخ دهد. در این پهنه، خبرگان قانون اساسی نیز در سال ۱۳۵۸، در پرتو اصل ۳۲، رسیدگی سریع پرونده‌های کیفری را مدنظر قرار دادند. مطابق اصل یاد شده، به کارگیری تمهیدات لازم از سوی ضابطان دادگستری برای فراهم کردن سریع پرونده قضایی و فرستادن آن به نهادهای قضایی به منزله مهم‌ترین وظایف آنان تلقی شده است؛ به گونه‌ای که نادیده انگاشتن این وظیفه با پاسخ کیفری روبه‌رو می‌شود. به دنبال این سیاست، قانونگذار ایرانی نیز در شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی، سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده است.

#### **۱. سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری دادگاه‌های عمومی**

قانونگذار ایرانی از دیرباز تا امروز از رهگذر برخی از مقررات، سرعت‌بخشی به مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری را در شمار وظایف دادگاه‌های عمومی گنجانده است.

### ۱-۱. مرحله پیش از دادرسی

مرحله پیش از دادرسی که به آن فرآیند پیش از صدور حکم کیفری نیز می‌گویند دربرگیرنده مجموعه اقدام‌هایی است که از سوی متولیان دستگاه عدالت کیفری برای کشف بزه، گردآوری دلیل‌ها و نگهداری از آنها، پی‌گرد متهمان و تحقیق از آنان انجام می‌شود. به دیگر سخن، این فرآیند شامل آن دسته از اقدامات و تحقیق‌هایی است که از سوی ضابطان دادگستری و مقام‌های قضایی به منظور حفظ و گردآوری دلایل اثبات‌کننده بزهکاری، دلایل به نفع متهمان و در نتیجه آماده‌سازی پرونده کیفری، آسان‌سازی و سرعت‌بخشی به روند رسیدگی در دادگاه‌ها صورت می‌پذیرد (آشوری، ۱۳۷۹، ۱۰۰)، این مرحله در به حرکت درآمدن چرخ‌های عدالت کیفری نقش بسزایی ایفا می‌کند. از این‌رو، نظام عدالت کیفری با به کارگیری اقدام‌های لازم، از جمله ایجاد سرعت مناسب در فرآیند کیفری می‌تواند بر پیشگیری از بزهکاری تأثیرگذار باشد (عباچی، ۱۳۸۵، ۱۷)، بدین‌سان، قانونگذاران از طریق مقررات کیفری شکلی، دست اندرکاران دستگاه عدالت کیفری را به سرعت‌بخشی در این مرحله ملزم نموده‌اند. قانونگذار ایرانی نیز در مقررات متعددی به سرعت در فرآیند پیش از صدور حکم کیفری اشاره کرده است. در نظام کیفری پیش از انقلاب، نویسندگان قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰، به موجب مواد ۴۵ و ۵۸ و قانون تشکیل محاکم جنایی ۱۳۳۷، از طریق ماده ۱۸ انجام سریع اقدام‌ها را در مرحله پیش از دادرسی مورد توجه قرار داده بودند؛ به گونه‌ای که مطابق شماری از این مواد «روزهای تعطیل [نیز] مانع از تحقیقات [نمی‌شد.]» در نظام کیفری پس از انقلاب نویسندگان لایحه قانونی تشکیل پلیس قضایی ۱۳۵۹ خورشیدی بر پایه مواد ۵ و ۴، قانون تشکیل دادگاه‌های سیار ۱۳۶۶، از رهگذر ماده ۵، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸ به موجب مواد ۲۱، ۴۰ و ۶۱ سرعت در فرآیند پیش از دادرسی را به منزله یکی از بارزترین وظایف متولیان دستگاه عدالت کیفری برشمرده‌اند.<sup>۱</sup> پس ملاحظه می‌شود که در نظام کیفری پیش و پس از انقلاب ایران، برخی از مقررات تقنینی به تسریع در فرآیند پیش از صدور حکم کیفری اشاره کرده‌اند.

### ۱-۲. مرحله دادرسی و پس از آن

۱. برای آگاهی بیشتر نک: زراعت، عباس و مهاجری، علی. (۱۳۷۸). شرح قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، جلد نخست، تهران: انتشارات فیض: ۱۵۶، ۹۹ و ۲۱۵.

مرحله دادرسی و پس از آن، در برگرفته آن دسته از اقداماتی است که از سوی مقام‌های قضایی و دیگر دست‌اندرکاران عدالت کیفری به منظور تصمیم‌گیری، تعیین سرنوشت پرونده‌های کیفری و اجرای تصمیم‌های اتخاذ شده اعمال می‌گردد. به دیگر سخن، در فرآیند صدور حکم کیفری و پس از آن مقامات قضایی و مجریان حکم کیفری در خصوص چگونگی مسؤولیت مرتکبان، کیفیت دلیل‌های مورد استناد، گونه و میزان کیفر یا اقدام‌های تأمینی و تربیتی، تناسب آن با ویژگی‌های بزهکاران و اجرای پاسخ‌های تعیین شده، تدابیر مناسب را اتخاذ می‌نمایند (آخوندی، ۱۳۷۹، ۴۰). در این مرحله سرعت در دادرسی و اجرای حکم کیفری به کارآمدی نظام کیفری در زمینه پیشگیری از بزهکاری می‌افزاید. به همین دلیل، در نظام کیفری گذشته، ماده ۴۸۲ قانون اصول محاکمات جزایی ۱۲۹۰ و مواد ۶ و ۳۷ قانون تشکیل محاکم جنایی ۱۳۳۷، بر سرعت‌بخشی به رسیدگی و اجرای حکم کیفری تأکید ورزیده بودند. این نگرش در نظام کیفری پس از انقلاب نیز مورد توجه قانونگذار ایرانی واقع شده است؛ بدین‌شکل که نویسندگان قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور ۱۳۶۸، براساس مواد ۴ و ۲۰، قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ۱۳۷۸ مطابق ماده ۲۸۳ و اصلاحیه قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ۱۳۸۱، بر پایه تبصره ۳ ماده ۲۰ سرعت‌بخشی به دادرسی و اجرای حکم کیفری را در نظام کیفری ایران شناسایی کرده‌اند. البته، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران در پرتو شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی با ملزم کردن دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری، به‌ویژه مقام‌های قضایی به رسیدگی خارج از نوبت برخی از گونه‌های بزهکاری، مانند جرایم مرتبط با تخلفات راهنمایی و رانندگی به‌موجب ماده ۱ قانون رسیدگی فوری به خسارات ناشی از تصادفات رانندگی به‌وسیله نقلیه موتوری ۱۳۴۵، جرم‌های مرتبط با کار بر اساس ماده ۱۷۶ قانون کار ۱۳۶۹، جرم‌های مرتبط با هواپیما مطابق ماده ۳۵ قانون هواپیمایی کشور ۱۳۲۸، جرم‌های مرتبط با امور دارو بر پایه ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ۱۳۳۴، جرم‌های مرتبط با تأسیسات آب و برق کشور به موجب مواد ۷ و ۸ لایحه قانونی رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور ۱۳۵۹، جرم‌های مالیاتی مطابق ماده ۲۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم ۱۳۶۶، جرم‌های مرتبط با شهرداری بر اساس ماده ۹۱ قانون شهرداری ۱۳۳۴، جرم‌های مرتبط با نظام وظیفه بر پایه ماده ۲ قانون الحاق موادی به قانون خدمت وظیفه عمومی ۱۳۶۵، جرم‌های علیه نظام اقتصادی کشور مطابق ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران نظام



اقتصادی کشور ۱۳۶۹، جرم‌های علیه جنگل‌ها، مرتع‌ها و منابع طبیعی به موجب ماده ۵۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور ۱۳۴۶ و جرم‌های مرتبط با چک پرداخت نشدنی از رهگذر ماده ۱۶ قانون صدور چک ۱۳۸۲، به دنبال برخورد سریع با مرتکبان جرم‌های یاد شده و در نتیجه پیشگیری از این بزهکاری‌ها بوده‌اند.

## ۲. سرعت بخشی به فرآیند کیفری دادگاه‌های اختصاصی

سرعت بخشی به روند رسیدگی در دادگاه‌های اختصاصی بیش از دادگاه‌های عمومی مورد توجه سیاست‌گذاران جنایی است، زیرا تسریع در فرآیندهای کیفری از بارزترین دلایل تأسیس این گونه دادگاه‌ها به شمار می‌رود. بدین سان در گستره نظام عدالت کیفری اختصاصی، گونه‌های ویژه بزهکاری مانند جرم‌های مرتبط با مواد مخدر و مجرمان ویژه، از جمله بزهکاران نظامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرند (گلدوست جویباری، ۱۳۸۶، ۱۰۲)، بنابراین، سیاست‌گذاران جنایی با رویکردی سخت‌گیرانه، رسیدگی سریع به پرونده‌های کیفری مرتبط با این دسته از جرم‌ها و مجرمان را برای بالا بردن کارایی نظام عدالت کیفری در زمینه کاهش میزان ارتکاب جرم‌های خاص و شمار بزهکاران پیش‌بینی می‌کنند. تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران نیز در پرتو برخی از مقررات، به سرعت در فرآیند کیفری این دادگاه‌ها اشاره کرده‌اند. برای نمونه، تدوین‌کنندگان ماده واحده لایحه قانونی تشکیل دادگاه انقلابی ارتش ۱۳۵۸، ماده ۵ قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران ۱۳۶۴، مواد ۲۳، ۳۳ و تبصره ۲ ماده ۴۴ آیین‌نامه دادرسی و دادگاه‌های ویژه روحانیت ۱۳۶۹، بر رسیدگی سریع در این دادگاه‌ها تأکید ورزیده‌اند. پس، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی تقنینی ایران با تدوین مقررات متعددی، سرعت بخشی به روند رسیدگی پرونده‌های کیفری در دادگاه‌های اختصاصی را مورد توجه قرار داده‌اند تا از رهگذر «عدالت کیفری اختصاصی سرعت‌مدار» به پیشگیری این دسته از بزهکاری‌ها پرداخته شود. افزون بر این، سیاست‌گذاران جنایی ایران در برهه‌ای از زمان به دلیل شرایط سیاسی - امنیتی حاکم بر جامعه، با تأسیس «دادگاه‌های فرا اختصاصی» یا

۱. برای آگاهی بیشتر نک: مهاجری، علی. (۱۳۸۰). دادرسی‌های خارج از نوبت در امور کیفری، تهران: انتشارات مجله.

«دادگاه‌های اختصاصی اختصاصی» با پیش‌بینی اصول و قواعد ویژه‌ای برای این دادگاه‌ها<sup>۱</sup> در صدد پاسخ‌دهی به مرتکبان جرم‌های امنیتی، تصاحب غیرقانونی و تصرف عدوانی زمین‌های ملی و عمومی و ... بوده‌اند. بدین‌سان به موجب ماده ۱۳ لایحه قانون تشکیل دادگاه فوق‌العاده رسیدگی به جرایم ضد انقلاب ۱۳۵۸، رسیدگی در این دادگاه‌های «تابع تشریفات نبوده و محاکمات با سرعت و بدون اتلاف وقت انجام [می‌شد]...».

بنابراین، در گستره سیاست جنایی ایران شماری از مقررات تقنینی با توجه به وضعیت‌های ویژه دادگاه‌ها را به سوی کنارگذاری سرعت متناسب در فرآیند کیفری و شدت بخشی به تسریع در روند رسیدگی این دادگاه‌ها هدایت کرده‌اند تا از این رهگذر ارزش‌های نقض شده به شدت مورد حمایت قرار گیرند. بدین ترتیب، تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی ایران، شدت بخشی به تسریع در فرآیند کیفری را برای برقراری امنیت و نظم در وضعیت‌های ویژه، کاهش گرایش شهروندان به ارتکاب جرم‌های امنیتی و غیره و پیشگیری از این گونه‌های بزهکاری راهکاری مناسب پنداشته بودند، اما این دسته راهکارها گاه به نادیده انگاشتن و کنارگذاری حقوق متهمان می‌انجامد، زیرا تسریع بیش از اندازه در فرآیند کیفری به جای پیشگیری از بزهکاری موجبات کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی، عدم دسترسی به دادرسی عادلانه، افزایش اشتباه در زمینه زدن برچسب مجرمانه به شهروندان، بازنمایی اجتماعی منفی از عملکرد نظام کیفری و ناکارآمدی این نظام در بازدارندگی را فراهم می‌نماید.

### ب) سرعت بخشی به فرآیند کیفری در پرتو سیاست جنایی قضایی

سیاست‌گذاران جنایی قضایی از گذشته تا امروز از طریق سیاست‌گذاری‌های متعدد به سرعت در فرآیند کیفری اشاره نموده‌اند. بدین‌سان آنان با تدوین شماری از آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، سرعت بخشی در فرآیند کیفری را در قالب سیاست‌های عمومی و اختصاصی به دادگاه‌ها الزام کرده‌اند.

#### ۱. سرعت بخشی به فرآیند کیفری در پرتو سیاست‌های عمومی دستگاه قضایی

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی در پرتو شماری از مقررات فروتقنینی، سرعت در

۲. برای نمونه، مطابق ماده ۱۲ قانون یاد شده «متهم حق [داشت] در ظرف مدت معینی که از طرف دادگاه تعیین [می‌شد] و نباید از ۵ روز تجاوز [می‌کرد] یک وکیل تعیین و به دادگاه معرفی [می‌نمود]...».

روند رسیدگی کیفری را به طور کلی در شمار وظایف دادگاه‌ها و دیگر نهادها و دست‌اندرکاران عدالت کیفری گنجانده‌اند تا از این رهگذر آن‌ها به سرعت بخشی در مراحل مختلف فرآیند کیفری مبادرت ورزند. نویسندگان آیین نامه شرح وظایف قضات تحقیق ۱۳۷۴، از طریق بند ج ماده ۸، به لزوم توجه به سرعت در مرحله‌های مختلف فرآیند کیفری، از جمله مراحل پیش از صدور حکم و اجرای حکم کیفری اشاره کرده‌اند. نیز، سیاست‌گذاران جنایی قضایی با تدوین برخی از بخشنامه‌ها<sup>۱</sup> سرعت بخشی در فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند؛ به گونه‌ای که مطابق شماری از این بخشنامه‌ها رئیس کل دادگستری استان‌ها و شهرستان‌ها مکلف شده‌اند کمیته اجرایی رفع اطاله دادرسی را به این منظور در سطح استان و شهرستان تأسیس کنند. از این‌رو، کمیته استانی با ریاست رئیس کل دادگستری استان و عضویت دادستان مرکز استان، رئیس کل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مرکز استان، معاون‌های آموزش و تحقیقات و اداری و مالی دادگستری استان، یکی از معاونان رئیس کل دادگستری و مسؤول واحد ارزشیابی دادگستری استان و کمیته شهرستانی با ریاست رئیس حوزه قضایی و عضویت دادستان شهرستان، یکی از معاونان رئیس حوزه قضایی و مسؤول اداری و مالی دادگستری شهرستان باید از رهگذر نشست‌های متعدد در زمینه علت‌شناسی طولانی شدن رسیدگی‌ها، کوتاه‌شدن فرآیند دادرسی، از جمله روند رسیدگی کیفری و سرعت بخشی به آن تدابیر مناسب اتخاذ کنند. پس، ملاحظه می‌شود که سیاست‌گذاران جنایی قضایی مقررات فروتقینی متعددی را به صورت کلی برای تسریع در فرآیند کیفری ناظر به همه جرم‌ها تدوین نموده‌اند؛ بدین شکل که دست‌اندرکاران عدالت کیفری، از جمله ضابطان دادگستری، بازپرسان و دیگر مقام‌های قضایی باید در مراحل مختلف فرآیند کیفری اقدامات لازم را در این زمینه انجام دهند.

## ۲. سرعت بخشی به فرآیند کیفری در پرتو سیاست‌های اختصاصی دستگاه

تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی از گذشته تا امروز تحت تأثیر اوضاع و احوال خاص و هنگام رویارویی با شرایط ویژه، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی را در زمینه رعایت سرعت در روند رسیدگی کیفری ناظر به شماری از جرم‌ها تدوین کرده‌اند.

۱. بخشنامه و دستورالعمل‌های شماره ۱/۸۲/۲۷۴۳ در تاریخ ۱۳۸۲/۲/۳۰، ۱/۸۳/۲۰۳۶ در تاریخ ۱۳۸۳/۲/۱۶،

۱/۸۳/۱۴۹۲۵ تا ۱/۸۳/۱۴۹۲۵ در تاریخ ۱۳۸۳/۱۱/۱۸.

## ۲-۱. سیاست‌های ناظر به جرم علیه اشخاص

جرم یا بزهکاری علیه اشخاص دربرگیرنده آن دسته از رفتارهای مجرمانه است که اسباب آسیب رساندن به وضعیت جسمی، معنوی- روانی اشخاص را فراهم می‌نماید (پاد، ۱۳۴۷، ۲۱)، قتل، آدم‌ربایی، توهین و افتراء از بارزترین گونه‌های این دسته از بزهکاری به شمار می‌روند. سیاست‌گذاران جنایی قضایی با توجه به اهمیت این گونه بزهکاری رسیدگی سریع به جرم‌هایی، مانند قتل و آدم‌ربایی<sup>۱</sup> را از سویی از رهگذر بخشنامه‌های متعددی به همه نهادهای قضایی - کیفری الزام می‌کرده‌اند و از سوی دیگر، در راستای تأسیس نهادهای تخصصی، از جمله دادرسی‌های ویژه امور جنایی برای پاسخ‌دهی به این جرم‌ها گام برداشته‌اند. بدین سان، دادرسی‌ها و دادگاه‌ها مکلف شده‌اند به هنگام برخورد با بزهکاری‌های یاد شده، سرعت بخشی به فرآیند کیفری را مورد توجه قرار دهند.

## ۲-۲. سیاست‌های ناظر بر جرم مالی و اقتصادی

### ۲-۲-۱. سیاست‌های ناظر بر جرم مالی

جرم مالی که به آن بزهکاری علیه اموال نیز گویند، شامل فعالیت‌های مجرمانه‌ای است که اموال و مالکیت شهروندان را مورد تعرض قرار می‌دهند. این گونه بزهکاری به دسته‌های گوناگونی، از جمله کلاهبرداری، سرقت و تخریب تقسیم می‌شوند.

سیاست‌گذاران جنایی قضایی در زمینه رسیدگی کیفری سریع به شماری از جرایم مالی بخشنامه‌های متعددی را به تصویب رسانده‌اند. در نتیجه، دست درکاران عالی قضایی درخصوص تسریع در رسیدگی به جرم‌های تخریب<sup>۲</sup>، مانند قطع و تخریب کابل‌های برق و اختلال در شبکه‌های برق‌رسانی، سنگ پرانی به قطارها، تخریب مراعات، جنگل‌ها و سرقت<sup>۳</sup> از جمله سرقت آب، سرقت مسلحانه و ارتکاب سرقت توسط مرتکبان پیشینه‌دار، بخشنامه‌های متعددی صادر کرده‌اند.

۱. بخشنامه شماره م/۱۶۳۰۷/۱ در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۹.

۲. بخشنامه‌های شماره م/۱۶۰۷۹/۱ در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۷، م/۹۶۸۱/۱ در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۰، ۱۳۶۹/۸/۲۰، ۱۳۶۹/۸/۲۰، ۱۳۶۹/۸/۲۰ در تاریخ ۱۳۶۹/۸/۲۰.

۳. بخشنامه‌های شماره م/۵۳/۶۳/ب/ش در تاریخ ۱۳۶۳/۸/۲۲، م/۱۶۳۰۷/۱ در تاریخ ۱۳۶۹/۱/۲۹ و م/۱۶۶۷۱/۱ در تاریخ ۱۳۷۴/۴/۳۱.

## ۲-۲-۲. سیاست‌های ناظر به جرم اقتصادی

جرایم اقتصادی، شامل بزهکاری‌هایی هستند که بر اثر ارتکاب آنها به نظام و فرآیند اقتصادی آسیب وارد می‌شود. این‌گونه بزهکاری دربرگیرنده آن دسته از اعمال بزهکارانه است که به فرآیند تولید، توزیع، مصرف و امور اقتصادی صدمه وارد می‌کند.<sup>۱</sup> در گستره سیاست جنایی قضایی بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعددی برای سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری این‌گونه بزهکاری تدوین شده است. از این‌رو، مسئولان عالی قضایی از سویی از رهگذر برخی بخشنامه‌ها به رسیدگی کیفری سریع در زمینه جرایمی مانند قاچاق گوشت، جرم علیه حقوق مصرف‌کننده و قاچاق کالا<sup>۲</sup> توجه کرده‌اند و از سوی دیگر، در سال ۱۳۸۵، با تدوین دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی<sup>۳</sup> بر لزوم رعایت سرعت در فرآیند کیفری ناظر به جرم‌های اقتصادی، به ویژه جرایم کلان اقتصادی پافشاری کرده‌اند.

## ۲-۳. سیاست‌های ناظر به جرم علیه امنیت و آسایش عمومی

جرم یا بزهکاری علیه امنیت و آسایش عمومی، شامل آن دسته از اعمال بزهکارانه است که از رهگذر آنها امنیت یک کشور، به‌ویژه امنیت ملی و آرامش عمومی شهروندان به مخاطره می‌افتد. به دیگر سخن، این دسته از بزهکاری به صورت مستقیم به منافع ملی، عمومی، استقلال، تمامیت ارضی و آسایش عمومی آسیب می‌رساند (پیمانی، ۱۳۷۵، ۸)، جرم‌هایی مانند جاسوسی، جعل و قلب سکه از جلوه‌های آن به‌شمار می‌روند.

دست درکاران عالی قضایی برای پاسخ‌دهی سریع به این دسته از بزهکاری، بخشنامه‌هایی برای رسیدگی به جرم‌هایی، از جمله جعل و جرم‌های انتخاباتی<sup>۴</sup> تدوین کرده‌اند. افزون بر این، سیاست‌گذاران جنایی ایران از رهگذر تأسیس دادسراها و دادگاه‌های انقلاب، سرعت‌بخشی به

۱. برای آگاهی بیشتر نک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین (دکتر). (۱۳۸۴). *تقریرات جرم‌شناسی*، دوره دکتری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

۲. بخشنامه‌های شماره ۱۰/۶۳/ب/ش در تاریخ ۱۳۶۳/۱/۳۰، ۱/۷۹/۵۷۷۴ در تاریخ ۱۳۷۹/۵/۳ و ۱/۸۲/۱۹۱۷۵ در تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۵.

۳. دستورالعمل شماره ۱/۸۵/۷۷۷۷ در تاریخ ۱۳۸۵/۵/۱۰.

۴. بخشنامه‌های شماره ۱/۷۸/۱۲۹۹۳ در تاریخ ۱۳۸۷/۱۲/۹، ۱/۷۶/۱۲۷۴، ۱/۷۶/۱۲۷۴ و ۱/۸۳/۱۴۸۰۲ در تاریخ ۱۳۷۶/۲/۱۰ و ۱۳۸۳/۱۱/۱۴.

فرآیند رسیدگی شماری از گونه‌های بزهکاری، از جمله جرم علیه امنیت را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، همه نهاد های قضایی - کیفری موظف شده‌اند در مراحل گوناگون به برخورد سریع با مرتکبان این جرم‌ها مبادرت ورزند.

#### ۲-۴. سیاست‌های ناظر به جرم اخلاقی

جرم‌های اخلاقی که به آن بزهکاری علیه عفت عمومی نیز گویند، شامل رفتارهای بزهکارانه‌ای است که ارزش‌های مربوط به اخلاق و عفت عمومی را نقض می‌کنند. در گستره سیاست جنایی قضایی برخی از بخشنامه‌ها<sup>۱</sup> سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری ناظر بر این دسته از جرایم را مورد توجه قرار داده‌اند. از این‌رو، مطابق آنها نهاد های قضایی - کیفری مکلف شده‌اند به گونه‌ای سریع به بزهکاران جرم‌های اخلاقی پاسخ دهند. سیاست‌گذاران جنایی قضایی ایران در راستای این نگرش، دادرسی‌های ارشاد را راه‌اندازی کرده‌اند. پس، ملاحظه می‌شود که تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی از رهگذر شماری از مقررات فروعی عمومی یا اختصاصی دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری، مانند ضابطان دادگستری، بازپرسان، دادستان‌ها و دیگر مقام‌های قضایی را موظف کرده‌اند، تسریع در همه مراحل فرآیند کیفری، از جمله مرحله پیش از صدور حکم کیفری را رعایت کنند تا از این طریق موجبات پیشگیری از جرم و در نتیجه کاهش میزان بزهکاری فراهم شود.

#### نتیجه‌گیری

سرعت بخشی به فرآیند کیفری، امروزه در شماری از اسناد بین‌المللی و مقررات ملی به منزله یکی از مهمترین جلوه‌های دادرسی عادلانه و حقوق بزه دیدگان شناسایی شده است (Ashworth, 2005, 249)، این دسته از اسناد و مقررات، مانند پیمان‌نامه حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۷، با رویکردی «حقوق بشری» و «بزه‌دیده مدار» به تسریع در فرآیند کیفری نگرسته‌اند، در حالی که این سازوکار در کنار برخورداری از این کارکردها، دارای کارکرد پیشگیرانه نیز هست، زیرا آیین دادرسی کیفری با رویکردی فراگیر از سویی به دنبال تأمین حقوق متهمان و بزه‌دیدگان و از سوی دیگر، درصدد حمایت از حقوق جامعه است (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۶، ۹)، از این‌رو، برخورد سریع دست‌درکاران عدالت کیفری با بزهکاری،

۱. بخشنامه‌های شماره ۱/۳۷۴۷ در تاریخ ۱۳۶۲/۱۱۲۵ و م/۱/۱۸۱۳ در تاریخ ۱۳۶۹/۲/۲۰.

مجربان احتمالی و واقعی را با این واقعیت آشنا می‌کند که ارتکاب بزهکاری از سوی آنان، پاسخ سریع نظام عدالت کیفری را به دنبال دارد (صفاری، ۱۳۸۴، ۱۱۳)، سیاست‌گذاران جنایی ایران، نیز از رهگذر مقررات فراتقنینی و شماری از مقررات تقنینی و فروتقنینی، سرعت بخشی به فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند. با وجود این، در گستره سیاست جنایی ایران، روند رسیدگی کیفری با سرعت متناسب همراه نیست. به همین دلیل، قانونگذار ایرانی از رهگذر قوانین بنیادین مانند قسمت ۱ و ۹ بند ز ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۳، و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی قضایی با صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های متعدد در این مورد از جمله دستورالعمل‌های ناظر به تشکیل کمیته‌های اجرایی استانی و شهرستانی رفع اطلاع دادرسی و تدوین بند ۱ چشم‌انداز برنامه دوم توسعه قضایی «بهره‌مندی از سرعت، دقت و صحت در رسیدگی به پرونده‌ها»، قسمت ۹ بند ۳ هدف‌های اختصاصی و عینی این برنامه «کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها و فرآیند دادرسی» (معاونت حقوقی و توسعه قضایی، ۱۳۸۴، ۱۶۱) از سویی به صورت مستقیم بر تسریع در فرآیند کیفری و ایجاد نظام قضایی مبتنی بر سرعت متناسب تأکید ورزیده‌اند و از سوی دیگر، به شکل غیرمستقیم به نبود سرعت متناسب در فرآیند کیفری اشاره کرده‌اند.

بنابراین، به نظر می‌رسد افزایش میزان بودجه و بالابردن شمار نیروی انسانی در دستگاه عدالت کیفری، فزونی بخشی به تعداد نهادهای پلیسی و قضایی، مانند مراجع تخصصی، بالابردن توانایی علمی دست‌اندرکاران نظام عدالت کیفری، به‌ویژه ضابطان دادگستری از طریق برگزاری دوره‌های فراگیر و استفاده از فن‌آوری اطلاعات، بهبود فرآیند ابلاغ آراء و تصمیم‌های نهادهای عدالت کیفری، از جمله راهکارهای سرعت بخشی به فرآیند کیفری‌اند که تصمیم‌گیرندگان جنایی ایران با اتخاذ تدابیر متناسب در این راستا و با در نظر گرفتن موازین حقوق بشر می‌توانند از سویی بسترهای اجرای جلوه‌های دادرسی و رفتار عادلانه و یکی از بارزترین آثار «فرض بی‌گناهی» (شاملو، ۱۳۸۳، ۲۸۰) و از سوی دیگر، زمینه‌های پیشگیری واکنشی از بزهکاری را فراهم نمایند.<sup>۱</sup>

۱. افزودنی است که تدوین‌کنندگان «لایحه قانون حقوق شهروندی و تأسیس نهاد دفاع ملی از حقوق شهروندی» به موجب ماده ۸۸۶ و «لایحه آیین دادرسی کیفری» از رهگذر مواد ۹-۱۵۱ و ۵-۱۲۳ و ۱۹-۱۲۱ و ۷-۱۲۱ سرعت بخشی به فرآیند کیفری را مورد توجه قرار داده‌اند.

### فهرست منابع

#### - فارسی

- آخوندی، محمود، (۱۳۷۹)، **آئین دادرسی کیفری**، جلد چهارم، تهران، انتشارات اشراق.
- آشوری، محمد، (۱۳۷۹)، **آئین دادرسی کیفری**، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت.
- امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۱ ب)، **مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر**، انتشارات دانشگاه تهران، شهید بهشتی.
- بکاریا، سزار، (۱۳۷۴)، **جرایم و مجازات‌ها**، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- یاد، ابراهیم، (۱۳۴۷)، **حقوق کیفری اختصاصی**، جلد نخست، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پیمانی، ضیاء‌الدین، (۱۳۷۵)، **حقوق کیفری اختصاصی** (جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی)، تهران، انتشارات میزان، چاپ دوم.
- تقی‌پور، علیرضا، (۱۳۸۵)، **حقوق متهم در دادرسی کیفری بین‌المللی**، پایان‌نامه دوره دکتری، تهران، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.
- خزانی، منوچهر، (۱۳۷۷)، **فرآیند کیفری** (مجموعه مقالات)، تهران، انتشارات گنج دانش.
- شاملو، باقر، (۱۳۸۳)، «اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی»، **علوم جنایی** (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت.
- صفاری، علی، (۱۳۸۴)، «کیفرشناسی و توجیه کیفر»، **علوم جنایی** (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)، جلد دوم، قم، انتشارات سلسبیل.
- عباچی، مریم، (۱۳۸۵)، **پیشگیری کیفری از جرم**، کمیسیون پیشگیری از وقوع جرم مرکز مطالعات توسعه قضایی، تهران.
- غلامی، حسین، (۱۳۸۲)، **تکرار جرم**، تهران، انتشارات میزان.
- گلدوست جویباری، رجب، (۱۳۸۶)، **کلیات آئین دادرسی کیفری**، تهران، انتشارات جنگل.
- **معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه**، (۱۳۸۴)، **عملکرد پنج‌ساله نخست و برنامه جامع و عملیاتی دوم توسعه قضایی**، قم، انتشارات سلسبیل.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی، (۱۳۸۶)، «تاریخچه و تحولات آیین دادرسی کیفری» (مصاحبه)، **مجله تعالی حقوق**، ش ۱۱، اهواز.
- مهرا، نسربین، (۱۳۸۶)، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرآیند کیفری در انگلستان»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۵۰، تهران.
- میرمحمدصادقی، حسین، (۱۳۸۳)، **دادگاه کیفری بین‌المللی**، تهران، انتشارات میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، (۱۳۸۲)، «پیشگیری عادلانه از جرم»، **علوم جنایی** (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، تهران، انتشارات سمت.

#### - لاتین

- Ashworthe, Andrew and Redmayne, Mike (2005), **the criminal process**, Oxford University Press.
- Lawyers committee for Human Rights, (1999), **what is Fair Trial?**, newyork.